

نقد و بررسی کتاب

جلال متینی



ابوالقاسم فردوسی

شاهنامه، دفتر یکم

بکوشش جلال خالقی مطلق

مجموعه متون فارسی (زیر نظر احسان یارشاطر)

مقدمه به زبان فارسی ۳۴ ص+ متن و فهرستها ۳۷۴ ص+

مقدمه به زبان انگلیسی ۷ ص

ناشر: انتشارات دانشگاه دولتی نیویورک

نیویورک، ۱۳۶۶ خورشیدی، بها: ۸۸/۵۰ دلار

نخستین دفتر (جلد) شاهنامه فردوسی به تصحیح «انتقادی» یا «تحقیقی» جلال خالقی مطلق چند ماه پیش در امریکا منتشر گردید. ضرورت طبع جدیدی از شاهنامه بر اساس کهنترین نسخه‌های خطی و با تصحیح دقیق علمی، موضوعی است که همه اهل فن درباره آن اتفاق نظر دارند زیرا چاپهای قدیمی شاهنامه تصحیح: ماثیو لامسدن Mathew Lumsden (جلد اول، سال ۱۸۱۱ مسیحی، هند)، ترنر مکن Turner Macan (دوره کامل ۴ جلد، ۱۸۲۹ مسیحی، هند)، ژول مل Jules Mohl (دوره کامل ۷ جلد، پاریس، ۱۸۷۸ مسیحی)، یوهان فولرس Joannes A. Vullers (بر اساس مقایسه دو طبع ترنر مکن و مل، ۳ جلد اول، ۱۸۷۷-۱۸۸۴ مسیحی، آلمان) نه اینک در دسترس

علاقه‌مندان قرار دارد و نه هیچ یک از این مصححان از مشخصات دقیق نسخه‌های خطی خود و نه از چگونگی شیوه تصحیح خویش سخنی بمیان آورده، و نه گفته‌اند چه نسخه‌ای را متن قرار داده‌اند. اساس کار هر یک از اینان ذوق و تشخیص خود مصحح بوده و بدین سبب است که در این چاپها از ذکر نسخه بدلها نیز چیزی بچشم نمی‌خورد. چاپ معروف به «برونخیم» - که سالهاست در ایران از آن استفاده می‌کنیم - (بر پایه کار فولرس با ذکر اختلاف دو طبع مکن و مئل در زیر نویس، ۱۰ جلد، ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۵ خورشیدی، تهران، بکوشی مجتبی مینوی - جلد اول، عباس اقبال آشتیانی - جلد دوم تا پنجم، سلیمان حثیم - جلد ششم، و سعید نفیسی - جلد ۷ تا ۱۰) در حقیقت تصحیح جدید و مستقلى بشمار نمی‌رود، همچنان که شاهنامه طبع محمد دبیر سیاقی (۱۳۳۵ خورشیدی، تهران) و محمد جعفر محبوب (۱۳۵۰ خورشیدی، تهران) نیز با آن که در سالهای اخیر منتشر گردیده کاری است بطور کلی در چارچوب شاهنامه‌های تصحیح مکن و مئل.^۱ در این جا از ذکر دیگر چاپهای سربی و سنگی شاهنامه در ایران و هندوستان خودداری می‌کنیم که ما را با آنها کاری نیست.

اما تصحیح و چاپ انتقادی شاهنامه بتوسط مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی (۹ جلد، ۱۹۵۰ - ۱۹۷۳ مسیحی، مسکو) کاری است یاد کردنی. چه مصححان در سه جلد اول، نسخه خطی شاهنامه مورخ ۶۷۵ ه.ق.، کتابخانه موزه بریتانیا، لندن، و سه نسخه خطی محفوظ در اتحاد جماهیر شوروی و ترجمه عربی بنداری را مورد استفاده قرار داده و از جلد چهارم ببعد از نسخه دارالکتب قاهره مورخ ۷۹۶ ه.ق. نیز استفاده کرده‌اند. (ایشان در معرفی نسخه‌ها و از شیوه تصحیح خود تنها در چهار صفحه و نیم جلد اول سخن گفته‌اند، البته با توجه به این که نه نوشته‌اند فردوسی اهل کجا بوده است و نه هرگز از «ایران» و حتی از محل برگزاری «هزاره فردوسی» در ایران یاد کرده‌اند!) مع هذا چون در چاپ مسکو نیز نقائصی مشهود بود، محققان شوروی درصدد برآمدند در کار خود تجدید نظر کنند. پس دو جلد اول شاهنامه را با کمک کتابخانه پهلوی در تهران از نو تصحیح و چاپ کردند (۱۹۷۱-۱۹۷۳)، بکوشش رستم علی‌یف و احمد طباطبایی) ولی تجدید نظر در مجلدات بعد معوق ماند. و آن گاه برای نخستین بار مقامهای دولتی در ایران، به پیشنهاد چند تن از اهل فضل، قدم پیش نهادند تا شاهنامه فردوسی در موطن فردوسی، ایران، بصورت دقیق علمی تصحیح و چاپ شود. برای حصول این مقصود «بنیاد شاهنامه فردوسی» به سرپرستی دانشمند گرانسقدر شادروان مجتبی مینوی در تهران تأسیس شد. وی به تهیه فیلم و عکس از نسخه‌های

خطی معتبر شاهنامه در دنیا پرداخت و با همکاری تنی چند از دانشمندان و پژوهشگران ایرانی زمینه را برای طبع جدیدی از شاهنامه فراهم ساخت. دو داستان «رستم و سهراب» (۱۳۵۲ خورشیدی) و «فروید» (۱۳۵۴ خورشیدی) در زمان حیات وی، و «داستان سیاوش» در ۳۷۷۰ بیت به تصحیح و توضیح او (۱۳۶۳ خورشیدی - هشت سال پس از درگذشت وی - با مقدمه مهدی قریب ۲۹ صفحه، متن داستان ۲۱۸ صفحه، و «تفصیل نسخه بدلها» ۳۵۹ صفحه) در تهران منتشر شد. بر اساس آنچه در مقدمه «داستان سیاوش» آمده است تصحیح این داستان نیز در زیر نظر مستقیم شخص مینوی و با برخورداری از نظریات چهارتن از دانشمندان و یک تن از پژوهشگران ایرانی، در چند مرحله، و بدقت در مدت پنج سال، انجام پذیرفته بوده است. در تصحیح این داستان از ده نسخه خطی مکتوب بین سالهای ۶۷۵ تا ۸۴۱ ه.ق. و نیز ترجمه عربی بنداری استفاده بعمل آمده، و توضیحات مربوط به نسخه بدلها پس از داستان چاپ شده است، ولی شرح جامع لغات و ترکیبات و فهرست اعلام و تعلیقات به جلد دوم حواله شده است. از «بنیاد شاهنامه فردوسی» - در فاصله سالهای ۱۳۵۲-۱۳۶۳ - بجز این سه داستان چیزی بچاپ نرسیده، و آینده این کار نیز روشن نیست. پس به هر حال محقق صاحب نظر و واجد صلاحیت بایست تا کار تصحیح شاهنامه و چاپ تمام مجلدات آن را وجهه همت خود قرار می داد.

جلال خالقی مطلق استاد دانشگاه هامبورگ که در دهه اخیر قسمت اعظم اوقات خود را وقف بررسی و تحقیق شاهنامه کرده و حاصل برخی از مطالعاتش را نیز تاکنون در مجله های تحقیقی بچاپ رسانیده است، در شرایطی که به آن اشاره کردیم، در صدد برآمد به تصحیح و چاپ شاهنامه پردازد. تصادفاً، پس از درگذشت شادروان مجتبی مینوی (۱۳۵۵ خورشیدی) نسخه ای نیز از نیمه اول شاهنامه در شهر فلورانس کشف شد که تاریخ کتابت آن ۶۱۴ ه.ق. (۶۲ سال قدیمتر از نسخه لندن مورخ ۶۷۵ ه.ق.) است و خالقی مطلق نخستین کسی است که در تصحیح شاهنامه از این نسخه نیز سود جست است.

برای ارزیابی کلی دفتر یکم شاهنامه نخست باید نگاهی گذرا به چند موضوع بیفکنیم:

نسخه های خطی مورد استفاده: خالقی مطلق نوشته است برای شروع کار نخست از چهل و پنج نسخه خطی شاهنامه عکس یا فیلم فراهم ساخته و پس از بررسی و مقابله و ارزیابی آنها، پانزده نسخه را که از بقیه معتبرتر تشخیص داده برگزیده و آنها را در دو

گروه قرار داده است: ۱ - دوازده نسخه اصلی از کتابخانه‌های: ملی فلورانس مورخ ۶۱۴ ه.ق. (با علامت اختصاری: ف)، بریتانیا، لندن ۶۷۵ (ل)، طوپقا پوسرای، استانبول ۷۳۱ (سن)، عمومی دولتی لنین گراد ۷۳۲ (لن)، دارالکتب قاهره ۷۴۱ (ق)، دارالکتب قاهره ۷۹۶ (ق^۲)، دانشگاه لیدن ۸۴۰ (لی)، ملی پاریس ۸۴۴ (پ)، پاپ، واتیکان ۸۴۸ (و)، دانشگاه اکسفورد ۸۵۲ (ا)، بریتانیا، لندن ۸۹۱ (ل^۲)، دولتی برلین ۸۹۴ (ب). مصحح اختلاف ضبط این ۱۲ نسخه را در زیر صفحات داده است؛ ۲ - چهار نسخه غیر اصلی از کتابخانه‌های: بریتانیا، لندن ۸۴۱ (ل^۳)، انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی، لنین گراد ۸۴۹ (لن^۲)؛ طوپقا پوسرای، استانبول ۹۰۳ (س^۲)، و ترجمه عربی شاهنامه بتوسط بنداری، بین سالهای ۶۲۰ - ۶۲۱ (بنداری) که تنها در موارد ضروری به ذکر ضبط این چهار نسخه در زیر صفحات پرداخته است. وی قبلاً این نسخه‌ها را بشرح معرفی کرده و به ارزیابی آنها پرداخته و خویشاوندی نسخه‌های خطی را نیز حتی المقدور تعیین نموده، در موارد مهم املاء و رسم الخط نسخه‌ها را نیز ذکر کرده تا راه داوری برای خواننده باز باشد، و در ثبت نسخه‌بدلها از شیوه مثبت پیروی نموده، یعنی نه تنها تاهمخوانی نسخه‌ها، بلکه همخوانی آنها را نیز بدست داده است، و مهمتر از همه آن که تأکید کرده است که با وجود توجه کامل به نسخه فلورانس مورخ ۶۱۴ (ف)، آن را بعنوان اقدم نسخ واضح نسخ در متن قرار نداده، زیرا این نسخه نیز عاری از نقیصه نیست.^۲

در این جا بعنوان جمله معترضه باید بگوییم، که برخی از صاحب نظران در ایران، در اصالت نسخه فلورانس حرف دارند،^۳ ایشان در درجه اول به عبارت «تاریخ کتابت» این نسخه استناد می کنند که در پایان نسخه به «زبان فارسی» نوشته شده است نه به زبان عربی، و می افزایند به این دلیل محتمل است این عبارت فارسی را بعد از قرن هفتم هجری، کسی در پایان نسخه فلورانس افزوده باشد، زیرا در نسخه‌های قدیمی فارسی عبارت تاریخ کتابت عموماً به زبان عربی نوشته شده است. خالقی مطلق نسخه فلورانس را اصیل می داند و تاریخ کتابت پایان نسخه را نیز، و نگارنده این سطور می افزاید که البته دیگر نسخه شناسان و صاحب نظران نیز باید درباره این نسخه داوری کنند، ولی اصل عربی نوشته شدن «تاریخ کتابت» نسخه‌های کهن فارسی، چنان که می دانیم بی استثناء هم نیست، چه تا آن جا که بنده به یاد دارد لا اقل دو نسخه خطی کهن فارسی داریم که هر دو در دهه اول قرن ششم هجری استنساخ گردیده و «تاریخ کتابت» آنها به زبان فارسی نوشته شده و کسی هم در اصالت آنها شک نکرده است: یکی نسخه خطی

ترجمان البلاغة رادویانی مورخ ۵۰۷ ه.ق.^۴ است و دیگری نسخه خطی هدایة المتعلمین فی الطب (نسخة کتابخانه فاتح استانبول) مورخ ۵۱۰ ه.ق.^۵

روش تصحیح: مصحح از «شیوة تصحیح و برشمردن دلایل برتری دادن ضبطی بر ضبط دیگر» و تکیه بر اصل «ضبط دشوارتر برتر است»، و در وزن شعر «همیشه صورت سنگین‌تر را بر صورت سبکتر برتری دادن» (مانند «به پرده اندرون» بجای «به پرده درون»)، و در مواردی که یک واژه واحد را به هر دو حرف می‌توان خواند ریخت کهنتر را برگزیدن (نخچیر بجای نخجیر) و نیز دلائلی که برای حذف «قطعات الحاقی» شاهنامه داشته و امثال آن بشرح سخن گفته است. وی از طرز کار خود در تصحیح شاهنامه با عنوان «روش انتقادی» (نه به معنی تکیه بیچون و چرای مصحح به اقدم یا اصح نسخ) یا «روش تحقیقی» یاد کرده است.^۶ حسن بزرگ و غیر قابل انکار چاپ خالقی مطلق آن است که او برای اولین بار در تصحیح شاهنامه، در تمام موارد، اختلاف ضبط ۱۲ نسخه خطی اصلی و در موارد لزوم ضبط ۴ نسخه غیر اصلی را در زیر هر صفحه داده است و بدین ترتیب خواننده علاقه‌مند و محقق به یک نظر از ضبط کلمه یا مصرعی در تمام نسخه‌های معتبر شاهنامه آگاه می‌گردد، و اگر در موردی تشخیص مصحح را نپسندد، می‌تواند با نظری اجمالی به نسخه بدلها، ضبطی را که مناسبتر می‌داند پیشنهاد کند. همه کسانی که درباره شاهنامه تصحیح خالقی مطلق اظهار نظر خواهند کرد، بیچون و چرا موهون کوشش فوق‌العاده وی خواهند بود، زیرا وی نه تنها حداقل ۱۲ نسخه پنجاه شصت هزاربیتی شاهنامه را با ذکر تمام جزئیات لازم در برابر آنان قرار می‌دهد، بلکه در هر مورد نیز بصراحت رای خود را اظهار داشته. او حتی اگر کلمه‌ای در نسخه‌ای بی نقطه نوشته شده است، ضبط نسخه خطی را عیناً در اختیار ما قرار داده است با این دقت که نه فقط آن کلمه را بی نقطه چاپ کرده بلکه درون پرانتز نیز افزوده است که کدامین حرف در این کلمه بی نقطه نوشته شده است، تا خواننده، بی نقطه بودن کلمه را به حساب خطای چاپخانه نگذارد. البته این کار در مورد الفاظی انجام شده است که داشتن یا نداشتن نقطه دارای اهمیت است مانند: ببردی، نبردی، ببردی («حرف یکم نقطه ندارد») در بیت ۱۰۷ پادشاهی جمشید که بحث اساسی بر سر صحت ضبط «ببردی» است یا «نبردی».

با تمام این دقتها، وی تصریح می‌کند که کارش به هیچ وجه «تصحیح نهائی شاهنامه» نیست بلکه تصحیح او تنها «می‌تواند بعنوان یک «مادر تصحیح» همیشه اعتبار نسبی خود را نگهدارد و اساس پژوهش شاهنامه و تصحیحهای سپین گردد.» و به همین

مبب است که از کار خود بعنوان «تصحیح فعلاً نهائی» یاد می کند چه امیدوار است «منتقدان بیت بیت این تصحیح را با سختگیری و باریک بینی و موشکافی و کارشناسی، بیغرضانه بررسی کنند و نظریات خود را منتشر سازند» تا پس از چاپ ۶ دفتر شاهنامه و دو دفتر یادداشتها «با توجه به نظریات دیگران و آنچه خود بدان رسیده ایم» تصحیح دیگری را آماده سازیم.^۷ این سخنان را خالقی مطلق تنها از سر فروتنی بقلم نیاورده، زیرا درباره هر کار دقیق و با ارزش علمی، صاحب نظران باید اظهار نظر کنند و محقق باید حرف حساب را پذیرد و اشتباهات خود را اصلاح کند تا کار شسته و رفته از آب درآید، چنان که محقق یگانه چون شادروان مجتبی مینوی که وسواس و دقت علمی را به سرحد کمال مراعات می فرمود، در چاپ دوم تصحیح ترجمه کلیله و دمنه، انشای نصرالله منشی - که به نظر بنده از شاهکارهای تصحیح متن در زبان فارسی است - نوشته است «پس از انتشار چاپ اول این کتاب بعضی از دوستان، ویش از همه جناب آقای سید محمد فرزانه، سهوها و غلطیهایی در آن یافتند و تذکار دادند، در این چاپ آنها را اصلاح کرده ایم و بدین وسیله از ایشان تشکر می کنیم»^۸ و یا مهدی قریب در پایان مقدمه بر «داستان سیاوش» تصحیح مجتبی مینوی افزوده است: «پس از حدود هشت سال که از درگذشت استاد زنده یاد می گذرد همکاران استاد، در قراءت و بررسی مجدد متن چاپی حاضر، به برخی از استدراکهای بالنسبه مهم دست یافتند که برای تعظیم شعائر علمی استاد در کار تصحیح و شیوه مختار کار او، در جلد دوم... خواهد آمد.»^۹

تعداد بیتها: بر اساس تشخیص مصحح و ضوابطی که در کار تصحیح خود داشته و آنها را پیش از این نوشته و در اختیار اهل فن قرار داده است، تعداد ابیات بخشهای مختلف دفتر یکم شاهنامه با چاپهای ژول مل، بروخیم، مسکو (چاپ اول و چاپ دوم) تفاوت دارد. جدول زیر ما را از هرگونه توضیحی در این باب بی نیاز می سازد:

خالقی	ژول مل	بروخیم	مسکو ۱۹۶۶	مسکو ۱۹۷۱-۱۹۷۲
دیباجه ۲۰۹	۲۳۷	۲۳۷	۲۲۵	۲۲۲
گیومرت ۷۰	۷۴	۷۴	۷۲	۷۳
هوشنگ ۲۴	۴۶	۴۶	۳۸	۴۳
طهمورت ۴۷	۵۰	۵۰	۴۶	۴۸
جمشید ۱۹۴	۲۱۶	۲۱۶	۱۹۲	۲۰۱

خالقی	ژول مل	بروخیم	مسکو ۱۹۶۶	مسکو ۱۹۷۲-۱۹۷۱	
۴۹۹	۵۴۲	۵۴۲	۴۷۰	۵۱۹	ضحاك
۱۰۶۸	۱۱۵۱	۱۱۵۱	۸۹۸	۱۱۱۵	فریدون
۱۶۰۸	۲۰۳۰	۲۰۳۰	۱۶۵۴	۱۸۶۱	منوچهر
۵۵۹	۶۱۱	۶۱۱	۵۴۳	۵۵۹	نوذر
۱۵۶	۴۸	۴۸	۴۵	۴۵	زوطه‌ماسپ
—	۲۷۳	۲۷۳	۲۰۶	۲۲۲	گرشاسپ
۱۸۵	۲۴۰	۲۴۱	۲۰۲	۲۰۵	کیقباد

اینک از ذکر کلیات می‌گذریم و در حد مقدور به ذکر برخی از جزئیات می‌پردازیم:

نگارنده بجای بررسی و اظهار نظر کلی درباره تمام دفتریکم شاهنامه، تنها داستان پادشاهی جمشید را بعنوان نمونه برگزیده و آن را حتی المقدور با دقت مورد مطالعه قرار داده است بدین ترتیب که نخست تمام مطالبی را که مصحح بعنوان نسخه بدل در زیر صفحات داده است، جزء به جزء، استخراج کرده و سپس به طبقه بندی و بررسی آنها پرداخته است. بدیهی است آنچه را که درباره این داستان گفته می‌شود، تقریباً و با مسامحتی چند می‌توان درباره تمام کتاب تعمیم داد.

در جدول پیش دیدیم که تعداد بیت‌های پادشاهی جمشید در چاپ مل، پاریس و بروخیم، تهران ۲۱۶ بیت، چاپ اول مسکو ۱۹۲ بیت، چاپ دوم مسکو ۲۰۱ بیت و چاپ خالقی مطلق ۱۹۴ بیت است. از این ۱۹۴ بیت، ضبط تمام کلمات در هفده بیت در تمام نسخه‌های خطی مورد استفاده مصحح یکسان است بجز این که در دوسه مورد، ضبط یکی از کلمات، در یکی دو نسخه از نظر رسم الخط متفاوت است و یا کلمه‌ای در نسخه‌ای بی نقطه نوشته شده. مصحح در ۱۷۷ بیت باقیمانده برای نشان دادن اختلاف نسخه‌ها ناچار گردیده است چهارصد و نوزده زیرنویس بدهد (۴۵ بیت با ۱ زیرنویس، ۷۱ بیت با ۲ زیرنویس، ۴۷ بیت با ۳ زیرنویس، ۱۵ بیت با ۴ زیرنویس، ۳ بیت با ۵ زیرنویس، ۳ بیت با ۶ زیرنویس). وی چنان که گذشت هیچ یک از نسخه‌های معتبر شاهنامه را متن قرار نداده و باصطلاح خود از تصحیح مکانیکی پرهیز کرده و به روش انتقادی یا تحقیقی پرداخته است، یعنی با آن که نسخه فلورانس مورخ ۶۱۴ هـ. ق. را از بیشتر جهات بر دیگر نسخه‌ها ترجیح داده است، ولی از نقاط ضعف این نسخه غافل

نبوده، چنان که از ۴۱۹ زیرنویس مورد بحث، در ۳۶ مورد ضبط دیگر نسخه‌ها را بر ضبط نسخه فلورانس ترجیح داده است. یا در مواردی که انگشت شمار است ضبطی را تنها با استاد یک نسخه - علی‌رغم ۱۱ یا ۱۴ نسخه دیگر - در متن آورده است چنان که در چهار مورد ضبط هریک از نسخه‌های ق، ل، ب، و را بر دیگر نسخه‌ها ترجیح داده است. در یک مورد به تصحیح قیاسی پرداخته و ضبط همه نسخه‌ها را در زیرنویس آورده است. در بیست مورد نیز متن را تنها با تکیه بر ضبط دو نسخه (ف، ل ۵: ۲ بار؛ ف، ل ۳: ۳ بار؛ ف، آ: ۳ بار؛ ف، ب ۳: ۳ بار؛ ف، ق ۱: ۱ بار؛ ف، و ۵ بار) تصحیح کرده است (که در چهار مورد ضبط برخی از دستنویسهای غیر اصلی نیز با ضبط این نسخه‌ها یکسان است). در بیست و سه مورد ضبط منحصر بفرد نسخه فلورانس را در متن قرار داده و ضبط دیگر دستنویسها را در زیرنویس آورده (که در ۳ مورد ضبط نسخه‌های غیر اصلی نیز با نسخه فلورانس یکسان است). بدیهی است اگر خالقی مطلق به نسخه فلورانس دسترسی پیدا نکرده بود، لااقل در این ۲۳ مورد ناگزیر بود ضبط یک یا چند دستنویس دیگر را در متن قرار بدهد. وی چهار بیت و نیز یک عنوان مذکور در نسخه فلورانس را السحاقی تشخیص داده و به زیرنویس منتقل ساخته، چنان که در یک مورد نیز بیتی را که در همین اقدم نسخ نیامده است با استاد بعضی از دیگر نسخ در متن آورده است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

در پادشاهی جمشید ضبط بسیاری از کلماتی که در متن آمده است حکایت از کمال دقت و تبحر خالقی مطلق و آشنایی کامل او با شاهنامه و زبان و مفردات و ترکیبات دوران فردوسی می‌کند که بر شمردن همه آنها در حوصله این مقاله نیست و از آن جمله است:

همان گاو دوشا به فرمان بری همان تازی اسپان همه گوهری

(بیت ۷۹)

ضبط دیگر چاپها و نسخه‌ها: مسکو: «همان تازی اسب گزیده مری»؛ مل: «همان تازی اسپان همچون پری»؛ بروخیم: «همان تازی اسب رمنده فری». نسخه‌های دوازده گانه: «ف: تازی اسب و هیون مری؛ ل: تازی اسب گزیده مری؛ لن: تازه اسپان تا رهبری؛ ق ۲: تازی اسپان ره بسپری؛ لی: تازی اسب رمنده مری؛ پ: تازی اسپان همچون مری؛ و (و نیز لن ۲): تازی اسب زهی و مری؛ آ (و نیز ل ۳): تازی اسب و هیون ف؛ ل ۲: فزون داشت آن مهتر تازیان؛ متن = ب» خالقی مطلق ضبط منحصر بفرد ب

(نسخه کتابخانه دولتی برلین مورخ ۸۹۴) را در متن قرار داده است.

فراوان نبود آن زمان پرورش که کمتر بُد از گشتنی ها خورش

(بیت ۱۳۱)

مسکو: خوردنیها؛ مُل، بروخیم: کشتیها. نسخه «ل، س، لن، ق، ق، ل، لی، پ، و، ل، ب: خوردنی ها؛ متن = ف، آ.» متن بر اساس دو نسخه ف، آ تصحیح شده است، یقیناً با توجه به بیت بعد: زهر گوشت از مرغ و از چارپای - خورشگربیاورد یک یک بجای.

و چنین است ضبط نام چهار طبقه ای که جمشید برگزیده است از جمله:

گروهی که آتوربان خوانیش به رسم پرستندگان دانیش

(بیت ۲۰)

مسکو: آتُر و تان؛ مُل: آموزیان؛ بروخیم: کانوزیان. نسخه های «ف، ل، ل، ل: تورانیان؛ لن: خابون زنان (حرف سوم واژه یکم نقطه ندارد)؛ ق: حاتون زبان (حرف یکم واژه یکم و حرف دوم واژه دوم نقطه ندارد)؛ و: آتاریان: آ: ارزانیان؛ ب: کاتوریان؛ متن = ق (اتوریان؛ یا اتوربان).» که ضبط نسخه قاهره مورخ ۷۴۱ هـ. ق. بر دیگر نسخه ها ترجیح داده شده است.

سر سال نر هرمنز فتوردین بر آسوده از رنج تن، دل ز کین

(بیت ۵۳)

مسکو، مُل، بروخیم: فرودین؛ نسخه «ل: هرمنز و فرودین؛ لی: هرمنز فرودین؛ متن = نه دستویس دیگر.» مصحح با توجه به اکثریت نسخه ها و نیز یقیناً با تکیه بر اصل برتری «ضبط دشوارتر»، «فرودین» را بر «فرودین» ترجیح داده است.

همی پروراندت با شهد و نوش جز آوای نرمت نیارد به گوش

(بیت ۱۹۱)

مسکو، مُل، بروخیم: آواز. در نسخه های «ل، س، لن، ق، ق، ل، لی، پ، آ، ل، ب: آواز؛ متن = ف، و.» در این بیت ظاهراً تنها با تکیه بر «ضبط دشوارتر» ضبط دو نسخه را برده نسخه دیگر ترجیح نهاده است:

به نظر نگارنده این سطور در برخی از موارد، ضبط یکی از نسخه بدلهای بر آنچه در متن

مده است مرجح می نماید و یا هر دو ضبط دارای ارزش برابر است:

یکی از موارد قابل بحث، داستان چاه کندن ابلیس است بر سر راه مرداس، پدر

خدمتکاری چراغ در دست همراهی می‌کند، پس از کندن چاه، روی آن را با خاشاک یا خاک یا چیزی دیگر می‌پوشاند تا چاه ژرف را نبینند. کار به همان صورت که ابلیس در نظر داشته، انجام می‌شود. مرداس در چاه می‌افتد و می‌میرد و ضحاک بجای پدر بر تخت تازیان می‌نشیند. بدین جهت بنظر می‌رسد: ۱ - «پرستنده با او پردی چراغ» مناسبتر است؛ ۲ - یکی از ضبط‌های «به خاشاک پوشید»، «به خاشاک بگرفت»، «به خاکش پوشید» درست‌تر از «به خاک اندر آگند و» است؛ ۳ - و بویژه جای مناسب برای بیت ۱۱۲ پس از بیت ۱۰۸ (برآورد وارونه ابلیس بند - یکی ژرف چاهش به ره بر بکند) است. ابلیس چاه را کند و رویش را پوشانید و چون سر تازیان مهتر نامجوی، شب آمد سوی باغ بنهاد روی، و با آن که خدمتکاری چراغ در دست با او بود، سر چاه پوشیده به خاشاک یا خاک را ندید و در آن افتاد و جان سپرد. حتی اگر به دلیلی پذیریم که خدمتکار همراه مرداس هرگز چراغ همراه خود نمی‌برده است باز بهتر می‌نماید که بیت ۱۱۲ (نه با ضبط «به خاک اندر آگند و») بلکه با ضبط یکی از نسخه‌های دیگر) پس از بیت ۱۰۸ بیاید. توضیح آن که در چاپ مسکو، مل، بروخیم نیز بیت ۱۱۲ پس از ۱۰۸ آمده است. در نسخه‌های مورد استفاده خالقی مطلق «س، ل، آ، این بیت را ندارند» اما در نسخه‌های «لن، ق، ق، پ، و، ب، این بیت پس از ۸۸ آمده است.» به نظر بنده مقصود مصحح از عدد ۸۸ در این جا با احتمال بسیار قوی همان بیت ۱۰۸ است.

ترجمه عربی بنداری (با توجه به این که ترجمه لفظ به لفظ و بیت به بیت شاهنامه نیست) نیز می‌تواند خواننده را در این باب راهنمایی کند چه سه موضوع قابل توجه در این متن بچشم می‌خورد: ۱ - به خدمتکار و چراغ مطلقاً اشاره‌ای نشده است؛ ۲ - ابلیس پس از کندن چاه، روی آن را با گیاه می‌پوشاند؛ ۳ - و پس از افتادن مرداس در چاه، ابلیس چاه را با خاک پر می‌کند.^{۱۰} در حالی که در همه نسخه‌های خطی شاهنامه مصراع مربوط به پرستنده و چراغ وجود دارد. و در هیچ یک از نسخه‌ها هر دو مرحله پوشانیدن روی چاه و سپس انباشتن آن با خاک مذکور نیست.

به ازهش سراسر به دونیم کرد جهان را از او پاک پر بیم کرد

(بیت ۱۸۶)

مسکو، مل، بروخیم: پاک و بی بیم کرد. نسخه «ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ:

پاک بی بیم کرد؛ ق، ب: پاک و بی بیم کرد؛ متن = ف، و (و نیز لن^۲).»

بیت مربوط است به کشته شدن جمشید. از ابیات ۱۸۲: «چو صد سالش [جمشید

را] اندر جهان کس ندید - برونام شاهی و او ناپدید»، و بیت ۱۸۴: «نهان بود چند از بد

آزدها - نیامد به فرجام هم زورها» که پیش از این بیت آمده است آشکار می گردد که ضحاک با وجود آن که تاج و تخت جمشید را به چنگ آورده بوده است ولی بسبب آن که بر خود جمشید دست نیافته بوده، و وی نهان از ضحاک از سرزمینی به سرزمینی دیگر می گریخته است ضحاک را دل مشغول می داشته، چه هنوز نام پادشاهی بر جمشید بوده است. اما چون پس از گذشت صد سال، جمشید را در دریای چین بدست آوردند و کشتند، ضحاک ظاهراً با این کار بایست جهان را، و در ضمن خود را، از وجود مزاحم جمشید «پاک (قید کیفیت) بی بیم» کرده باشد. ده نسخه خطی مصحح نیز این معنی را تأیید می کنند جز دو نسخه فلورانس ۶۱۴ و نسخه واتیکان ۸۴۸.

از جمله امتیازات شاهنامه چاپ خالقی مطلق آن است که برخی از کلمات در آن با اعراب چاپ شده است که آنها را به چند گروه می توان تقسیم کرد: ۱ - خواننده را در درست خواندن متن یاری می کند: جُست ۳۹، گیل ۳۶، از درِ کار ۹۹، و یا کلماتی که در قافیه قرار دارند و بضرورت قافیه مصراع دیگر باید با تلفظی خاص خوانده شوند: خورد، کرد ۱۶۳، در خورم، خوالیگرم ۱۲۸؛ ۲ - ولی بعضی از تلفظها با تلفظ رایج امروزی آنها در فارسی استاندارد یکسان است: ژرف ۱۰۸، ۱۱۰، ایران زمین ۱۷۶، کشور ۱۷۷، سَوی (تازیان) ۱۷۲، ۱۷۸؛ ۳ - کلماتی که ضبط آنها با تلفظ امروزی آنها متفاوت است: همچُنین ۸۰، چُنان چون ۹۱، چُنین ۴۶، چُنان ۶۶، سَوار ۷۵، سَپید ۱۴۱، سَخُنگوی ۷۲.

اگر ضبطهای مذکور در قسمت دوم و سوم، معرف ضبط کلمات در نسخه های خطی شاهنامه است (چنان که برخی دیگر از مصححان متون کهن فارسی نیز کلمات اعراب دار (مشکول) نسخه های خطی را به نسخه چاپی نقل می کنند)، لازم است تذکر داده شود که هر تلفظی مربوط به کدام یک از نسخه هاست. ولی در صورتی که مصحح محترم فی المثل با توجه به تلفظ این کلمات در زبان پهلوی خواسته باشند تلفظ رایج این کلمات را در زمان فردوسی معرفی کنند، این کاری است دور از احتیاط، چه آگاهی ما از این که فارسی زبانان در آن روزگاران کلمات فارسی را چگونه تلفظ می کرده اند در درجه اول منحصر است به برخی از نسخه های کهن خطی فارسی که در آنها گاهگاه کاتب، کلمه ای را مشکول نوشته است، و در درجه دوم تا حدی تلفظ امروز روستاییان دور افتاده خراسان و فارسی زبانان افغانستان و تاجیکستان. و با این اطلاعات محدود و مبهم مصلحت آن است که از دست زدن به این کار پرهیزیم. از سوی دیگر اگر قرار بر

تبعیت از ضبط کلی تلفظهای قدیمی کلمات در نسخه‌های خطی کهن شناخته شده باشد، دامنه این کار وسیع است، چه ما بر اساس برخی از همین نسخه‌های خطی فارسی می‌بینیم که از جمله حرف پیش از هاء غیر ملفوظ را عموماً مفتوح ضبط کرده‌اند: خنده، غنچه؛ باء تاکید را مضموم: بیری، یباید؛ باء اضافه را مفتوح: پَپهلو (به + پهلو)، بَطبع (به + طبع)، بَگُل (به + گُل)؛ و یا کلمات زیرین را با ضبطهای: تُوانستن، تُوانگر، جُوان، خُواب، خُواستن، خُواندن، خُویش، رُوان، بُتفش، خُوان سالار، پُراگندن، پُنبه و امثال آن داده‌اند.^{۱۱} و یا حرف «ف» و «ب» در کلماتی مانند: افگندن، افزودن، افزار، قام (سرخ قام)، افغان، ابرو را در برخی از نسخه‌های خطی قدیمی فارسی بشکل افگندن، افزودن، افزار، قام، افغان، افرو، نوشته‌اند و این همان «فاء اعجمی» است که به قول استاد پرویز ناتل خانلری، حمزه اصفهانی و ابوعلی سینا آن را «حرف میان باء و فاء» یا «فاء نزدیک به باء» خوانده‌اند و حمزه اصفهانی بعنوان مثال کلمات لف و شف را ذکر کرده که بعدها بصورت لب و شب درآمده است.^{۱۲}

رسم الخط دفتر یکم شاهنامه بندرت در بعضی از موارد یکدست نیست: در اتصال و انفصال کلمات مرکب (پاکدین ۸۲، پاک دین ۸۰، نیکمرد ۷۶، نیک دل ۹۱ و...). باء اضافه با آن که عموماً جدا از کلمه بعد نوشته شده، بندرت خلاف آن نیز دیده می‌شود: بهر نیک و بد ۱۱۳، بسر بر- ضحاک، بیت ۱۸۶ و در زیرنویسها بیشتر بصورت متصل نوشته شده است. در نوشتن مذ «آن» پس از کلمات: مر، از، اندر هر به دو صورت نوشته شده است (مران ۱۰۵، مرآن ۵۲، اندران ۷۵، اندرآن ۵۶ و...). با آن که حذف همزه «است» پس از کلماتی که به مصوت ختم می‌شود سودمند است و خواننده را یساری می‌کند (مانند غمی ست، پیوسته ست، ازدهاست، بترتیب بجای غمی است، پیوسته است، ازدها است) ولی در موارد دیگر به نظر بنده اثبات همزه لازم می‌نماید در حالی که شواهدی در کتاب دیده می‌شود مانند: دیگرست، مادرست ۱۱۸، چنانست ۶۶، مهترست، پیکرست ۱۷۳، منست ۶۷. آیا ضبط این کلمات با همزه «است» صحیحتر نمی‌نماید، بویژه که اثبات همزه، وزن شعر را هم بر هم نخواهد زد.

موضوع دیگری که از مشکلات نظم و نثر فارسی قرن سوم و چهارم و پنجم بشمار می‌رود آن است که در زبان آن دوره هم فعلهای پیشاوند دار زیاد بکار می‌رفته است (مانند: اندر آمدن، بر نهادن، بر نشستن، بر خواندن) و هم مفعول بواسطه (متمم) با دو

حرف اضافه (مانند: به دلش اندن به رهبر، به سربر، به بخانه درون). در اکثر مواردی که این مفعول پیش از فعل قرار می‌گیرد، تشخیص این که مفعول با دو حرف اضافه آمده است یا فعل با پیشاوند است، گاه دشوار و یا غیرممکن می‌گردد، و بدین جهت پیشنهاد بنده آن است که در این گونه موارد حرف دوم را که می‌توان پیشاوند فعل نیز تلقی کرد، نه بی‌فاصله به مفعول بنویسیم و نه بی‌فاصله به فعل، چون در بیشتر موارد هر دو صورت درست است. مثال:

به یزدان هر آنکس که شد ناسپاس به دلش اندر آید زهر سوهراس
(بیت ۷۳)

به سر بر نهاده افسر تازیان بریشان ببخشید سود و زیان
(بیت ۱۲۰)

در بیت نخستین «به دلش اندر آید زهر سوهراس» و در بیت دوم «به سر بر نهاده افسر تازیان» نیز نادرست نیست چنان که از جمله در بیت ۱۸۶ پادشاهی ضحاک در همین چاپ آمده است: نهاده سر بر ز پیروزه تاج».

چند پیشنهاد:

۱ - لا اقل دفتر یکم «یادداشتها» ی مصحح که توضیحات مربوط به دفتر یکم و دوم و سوم شاهنامه در آن چاپ خواهد شد، بموازات چاپ دفترهای دوم و سوم شاهنامه چاپ شود، ولو در چاپخانه ای دیگر. زیرا با مراجعه به زیرنویس صفحات عموماً فقط از ضبط نسخه‌های مختلف آگاه می‌شویم، ولی دلیل اختیار ضبطی خاص در متن، در آن جا که محتاج توضیح است، بی‌یقین در آن تعلیقات خواهد آمد. بی‌دو دفتر «یادداشتها» ممکن است بسیاری از اظهار نظرهای خوانندگان شاهنامه تصحیح خالقی مطلق، بمانند نگارنده این سطور، بی‌پایه باشد، چه ممکن است مصحح، جواب تمام یا اکثر موارد را در آن دو دفتر داده باشد.

۲ - چنان که پیش از این گذشت مصحح محترم در تصحیح انتقادی و تحقیقی شاهنامه، اگر خود را درگیر تعیین تلفظ کلمات در عصر فردوسی یا بر اساس ضبط کلمات پهلوی ننماید، کاریشتر با احتیاط و وسواس علمی مقرون خواهد بود.

۳ - به همین ترتیب، اگر در ضبط برخی از کلمات، اساس کار را بر ضبط نسخه‌های خطی شاهنامه و یا دیگر نسخه‌های خطی کهن فارسی قرار بدهیم، نه با توجه به ضبط کلمات در زبان پهلوی کار رو براه‌تر خواهد بود. فی‌المثل مصحح کلمات: بز شک (بیت

(۱۶۱)، بزشکان (بیت ۱۵۹)، بزشکی (بیت ۴۳) را همه جا با همین ضبط آورده است، نه با «پ»، بامستاد این که «ما در این گونه موارد ریخت کبشتر را که گاه می توان آن را از راه صورت آن در زبان پهلوی بازشناخت برگزیده ایم»^{۱۳} بی آن که، برخلاف اکثریت قریب باتفاق دیگر موارد، در زیرنویس صفحات از ضبط این کلمات در نسخه های اصلی و غیر اصلی خود ذکری کرده باشد. به نظر بنده «بزشک» با «نخچیر» و نظایر آن قابل قیاس نیست زیرا «نخچیر» در بسیاری از نسخه های کهن با ضبط «چ» (با سه نقطه) آمده است، چنان که ولف نیز کلمه های نخچیر، نخچیربان، نخچیرجوی، نخچیرگاه، نخچیرگه، و نخچیرگیر را بی استثناء یا ج فارسی (با سه نقطه) داده ولی «بزشک» را حتی یک بار هم با باء تازی (با یک نقطه) ضبط نکرده است. و از همین مقوله است طرح این موضوع که «مؤلفان شاهنامه ابومنصوری صورت درست آن [یعنی تلفظ «برمایون» و «برمایه»] را در پهلوی می شناخته اند. از این رو اگر فردوسی خود هم پهلوی نمی دانست، چون در همان زمان و در همان شهری که خداینامه را به فارسی ترجمه کرده اند می زیست، پس محتمل است که او صورت درست این نام را می شناخته و اگر آن را بضرورت وزن به برمایه کوتاه کرده است، دلیلی نیست که حرف ب را هم به پ برگردانیده باشد»^{۱۴} به نظر بنده اصولاً عنوان کردن این موضوع که مؤلفان شاهنامه ابومنصوری در شهر طوس به ترجمه خداینامه پهلوی به زبان فارسی هم دست زده اند، خود موضوع بسیار قابل تأملی است، و با تکیه بر پهلوی دانی آن مؤلفان و تبعیت احتمالی فردوسی از تلفظ کلمات پهلوی، کار تصحیح شاهنامه ممکن است در این موارد بسیار بسیار محدود به دست انداز بیفتد. آیا دو دفتر «یادداشتها» بهترین جا برای طرح این گونه مسائل نیست؟ در مورد کلماتی نظیر: بزشک، اسپ و غیره بهتر است به همان ترتیبی عمل شود که مصحح محترم درباره کلماتی مانند: گیومرت (پادشاهی گیومرت: ۵، ۱۵، ۲۵، ۶۰)، طهمورت (پادشاهی طهمورت: ۳۱، ۳۵)، اغریرت (پادشاهی نوذر: ۸۹) عمل کرده است،^{۱۵} یعنی بامستاد ضبط یک یا چند نسخه خطی معتبر شاهنامه، کیومرث و طهمورث و اغریرث رایج و متداول را رها ساخته است. چه شاید هیچ کس ندانند که کلمات فارسی در قرن سوم و چهارم و پنجم در هر شهری از شهرهای فارسی زبانان چگونه تلفظ می شده است، چنان که مؤلف هدایة المتعلمین فی الطب که پزشکی بخارایی است و کتاب خود را در حدود ۳۷۰ هـ. ق. (همزمان با آغاز سرودن شاهنامه) تألیف کرده، بر اساس دو نسخه خطی معتبر از این کتاب، مکتوب به سالهای ۴۸۶ و ۵۱۰ هـ. ق.، کلمات «بزشک» و «بزشکی» را همه جا بشکل «بجشک» و

«بجشکی» آورده است (در حالی که در این دو نسخه خطی حرفهای «پ» و «ج» گاه با یک نقطه و گاه با سه نقطه، به هر دو صورت، نوشته شده است). یا در همین کتاب از جمله کلمه «لاجورد» در نسخه ۴۸۶ همه جا با همین ضبط، و در نسخه ۵۱۰ سه بار با ضبط «لاجورد»، یک بار «لاژورد» و یک بار «لازورد» آمده است.^{۱۶} پس فی المثل بفرس قاطع نمی توان گفت که فردوسی «لاژورد» می گفته است نه «لاجورد».

۴ - در مقدمه هر دفتر شاهنامه، بهتر است معنی برخی از کلمات فارسی که مصحح محترم، در زیر نویس صفحات، بجای الفاظ متداول تازی بکار برده است ذکر گردد، مانند: پساوند (بجای قافیه)، سرنویس (بجای عنوان)، لت (بجای مصراع)، چه محتمل است گروهی از خوانندگان معنی این الفاظ را در نیابند.

۵ - فهرست غلطهای چاپی دفتر یکم را که معدود است، در دفتر دوم چاپ کنند. زیرا تا آن جا که نگارنده آگاه است با وجود تأکید و اصرار مصحح شاهنامه، ناشر (مؤسسه انتشاراتی دانشگاه دولتی تبریز) با چاپ غلطنامه (یا صوابنامه) بمنظور تصحیح غلطهای چاپی دفتر یکم، حتی در برگی جدا از کتاب، موافقت نکرده است.

۶ - و چند یادآوری مختصر نیز برای ناشر دارم.^{۱۷}

بنده در نقل مثال در هر مورد به دوسه شاهد اکتفا کردم تا مقاله درازتر از این نشود. و نیز به هیچ وجه بر این گمان نیستم که آنچه در این مختصر نوشته ام صحیح است، بخصوص که دفتر اول «یادداشتها» هنوز چاپ نشده و چه بسا اگر آن دفتر چاپ شده بود، در هر مورد پاسخ قانع کننده ای در آن می یافتیم. با وجود این بعلت اهمیت فوق العاده کاری که استاد جلال خالقی مطلق یک تنه در طی دودهمه انجام داده است، و نیز با توجه به این که پنج دفتر دیگر شاهنامه بمرور در آینده چاپ خواهد شد، وظیفه خود دانستم درباره شاهنامه تصحیح وی چیزی بنویسم. بعلاوه فراموش نکنیم که این نخستین باری است که یک محقق سرشناس ایرانی، دور از ایران، عمر و جوانی و دار و ندار خود را، صمیمانه در راه تصحیح شاهنامه اثر جاودانه فردوسی صرف کرده است، و نیز فراموش نکنیم که دفتر یکم شاهنامه در خارج از ایران و با مشکلات فراوان چاپ شده و با احتمال قوی مجلدات بعدی آن نیز در سرزمینهای بیگانه و به همین ترتیب بچاپ خواهد رسید. شاید نوشتن این چند کلمه برای ثبت در تاریخ تصحیح و چاپ شاهنامه لازم باشد که جلال خالقی مطلق سالهاست در هامبورگ بسر می برد، و شاهنامه را در آن شهر برای طبع آماده کرده است، حروفچینی کتاب در چاپخانه ای در لندن انجام شده و مصحح ناگزیر

بوده است دوبار برای تصحیح نمونه های مطبعی از هامبورگ به لندن برود، مقر ناشری که چاپ دوره کامل شاهنامه را در هشت مجلد (با احتساب دو دفتر «یادداشتها») بعهده گرفته است، شهر آلبانی در ایالت نیویورک است، کار چاپ و صحافی کتاب در شهر میشیگان انجام می پذیرد، و سه مرحله اخیر همه به همت احسان یارشاطر استاد دانشگاه کلمبیا مقیم شهر نیویورک جامه عمل پوشیده است و اگر یارشاطر قدم پیش نمی نهاد، در اوضاع و احوال جاری، کار شاهنامه تصحیح خالقی مطلق که اینک به زیور طبع آراسته شده است، از مرحله دستنویس وی تجاوز نمی کرد.

یادداشتها:

- ۱ - احسان یارشاطر، «مقدمه» شاهنامه، بکوشش جلال خالقی مطلق، نیویورک ۱۳۶۶، ص: یازده - پانزده.
- ۲ - جلال خالقی مطلق، «معرفی و ارزیابی برخی از دستنویسهای شاهنامه»، ایران نامه، سال ۳، شماره ۳، ص: ۴۰۶-۳۷۸؛ همان مجله، سال ۴، شماره ۱، ص: ۱۶-۴۷؛ همان مجله، سال ۴، شماره ۲، ص: ۲۲۵-۲۵۵؛ همان مجله، «دستنویس شاهنامه مورخ ۶۱۴ هجری قمری (دستنویس قلورانس)»، سال ۷، شماره ۱، ص: ۶۳-۹۴؛ شاهنامه، دفتر یکم، بکوشش جلال خالقی مطلق، نیویورک ۱۳۶۶، پیشگفتار، ص: نوزده - سی و یک.
- ۳ - مهدی قریب، «مقدمه ای بر شاهنامه فردوسی»، کتاب نوس (مجموعه مقالات، دفتر اول)، تهران ۱۳۶۳، ص: ۲۲۷-۲۹۴؛ داستان سیاوش، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران ۱۳۶۳، مقدمه بقلم مهدی قریب، ص: ج.
- ۴ - محمد بن عمر الرادویانی، ترجمان البلاغه، باهتمام احمد آتش، استانبول ۱۹۴۹.
- ۵ - ابوبکر ربیع بن احمد الاخوانی البخاری، هداية المتعلمین فی الطب، تصحیح جلال متینی، مشهد ۱۳۴۴، ص: شصت تا شصت و سه «معرفی مؤلف و کتاب».
- ۶ - جلال خالقی مطلق، «یادداشتهایی در تصحیح انتقادی بر مثال شاهنامه»، ایران نامه، سال ۴، شماره ۳، ص: ۳۶۲-۳۹۰؛ همان مجله، سال ۵، ش: ۱، ص: ۴۷-۷۵؛ همان مجله، سال ۵، ش: ۲، ص: ۲۵۰-۲۸۵؛ جلال خالقی مطلق، «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، ایران نامه، سال ۳، ش: ۱، ص: ۲۶-۵۳؛ همان مجله، سال ۳، ش: ۲، ص: ۲۴۶-۲۶۱.
- ۷ - شاهنامه، بکوشش خالقی مطلق، پیشگفتار، ص: سی و یک.
- ۸ - کلیله و دمنه، انشای نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، چاپ دوم، تهران ۱۳۴۵.
- ۹ - داستان سیاوش، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران ۱۳۶۳، مقدمه مهدی قریب، ص: کط.
- ۱۰ - الشاهنامه، ترجمها نثر الفتح علی البنداری، تصحیح عبدالوهاب عزام، چاپ افست، تهران ۱۹۷۰م؛ «وكان الملك بستان اتخذ لجلوته. فيه حوض تنصب اليه الامواه. وكان كل ليلة يدخل البستان ويتطهر من ذلك الحوض و يشغل طول الليل بعبادة الله تعالى. فحضر الملعون في طريقه بئرا و غطاها بحشيش. فقام الملك من الليل و دخل البستان على عادته المعمودة، و توجه نحو الحوض على ذلك الطريق فتردى في قعر الحفيرة. فلما رأى المدؤ ذلك يادر اليه وطمسها بالتراب، وسواها بالارض. فاستولى الفضاك على ملك العرب...» ص: ۲۷.
- ۱۱ - از جمله رك. هداية المتعلمین فی الطب، ص: پنجاه و پنج - پنجاه و هشت «معرفی مؤلف و کتاب»؛ جلال متینی، «تحول تلفظ كلمات فارسی در دوره اسلامی»، مجله دانشكده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۷، شماره ۲

- (تابستان ۱۳۵۰)، ص ۲۴۹-۲۸۳؛ قابوس نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۲.
- ۱۲ - جلال متینی، «رسم الخط فارسی در قرن پنجم هجری»، مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال ۳، ش ۲ و ۳ (پائیز ۱۳۴۶)، ص ۱۵۹-۲۰۶؛ پرویز ناتل خانلری، تاریخ زبان فارسی، تهران ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۲.
- ۱۳، ۱۴ - شاهنامه، بکوشش خالقی مطلق، دختریکم، پیشگفتار بترتیب من یست و هشت، یست و شش.
- ۱۵ - همان کتاب، پیشگفتار من: یست و سه - یست و چهار.
- ۱۶ - هدایة المتعلمین فی الطب، بجشک: ص ۱۴، ۶۹، ۸۰، ح، ۸۱، ۱۰۶، ۱۵۳، ۱۶۸ و...؛ بجشکی: ۱۴، ۱۶، ۱۶، ح، ۱۷، ۱۰۵، ۱۶۷۰؛ لاجورد: ص ۲۲۷، ۲۴۳، ۲۷۸، ۵۸۵، ۷۵۳، ۵۹۲؛ لاجورد: ص ۲۴۳؛ لاجورد: ص ۲۷۸/ح.

۱۷ - بسیار شایسته است که ناشر در دفترهای دوم شاهنامه بید، در «عطف کتاب» دو کلمه «شاهنامه» و «فردوسی» را به خط فارسی، در کنار Ferdowsi The Shahnameh بیفزاید. و نیز ترتیبی داده شود که از بکار بردن کلمات و عبارات گوناگون برای مقصودی واحد در صفحه مشخصات و عنوان کتاب خودداری شود. زیرا در «صفحه مشخصات» به زبان فارسی نوشته شده است: تصحیح جلال خالقی مطلق. بکوشش: احسان یارشاطر. ناشر Bibliotheca Persica ولی در صفحه بعد، «صفحه عنوان»، به زبان فارسی آمده است: بکوشش جلال خالقی مطلق. با مقدمه احسان یارشاطر. و در صفحه عنوان به زبان انگلیسی نوشته شده است:

Edited by Djalal Khaleghi-Motlagh with an introduction by Ehsan Yarshater.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

محمد رضا قانون پرور

کلیدر

محمود دولت آبادی

نشر پارسی، تهران

چاپ چهارم، ۱۳۶۴

عروج یک یاغی: راه برد روایت در کلیدر

آثار داستانی معاصر ایران اغلب عبارت از داستانهای بلند یا کوتاهی است که در آنها نویسندگان با تأکید بر فتنون جدید رمان نویسی روال قصه گویی سنتی را که بیشتر با ترتیب زمانی حوادث روایت می شد رها نموده اند. به این جهت «داستانهای نو» بار بیشتری بر شانه خواننده داستان تحمیل می کنند و ضرورت پیدا می کند که خواننده عملاً در کار تنظیم داستان در ذهن خود نیز شرکت جوید، کاری که باعث می شود چنین داستانهایی برای اکثریت مردم قابل فهم نباشد. آثاری چون بوف کور صادق